

پیشگفتار

شعر همزاد آدمی و وزن همزاد شعر است و از اجزاء ذاتی آن حتی در نگاه فیلسوفانی که به ماهیت شعر توجه کرده‌اند. احساس، ادراک و دریافت وزن برای هر اهل زبان که گوشتی شنوا داشته باشد، امری آسان و گاه نیازمند اندکی توجه و تعلیم است، اما تبیین این حس، درک و دریافت و سامان‌بخشی بدان نیازمند کوششی بیشتر و دانشی افزون‌تر است که جویندگان را به سوی علمی می‌کشاند که عروضش خواننده‌اند. عروض در پی آن است که احساس آدمی را از وزن در چهارچوب قواعدی علمی بریزد و به او نشان دهد که اساس پیدایی این احساس از کجاست و چگونه کلماتی که ساختار مصرعها و بیتها را رقم می‌زنند از طریق اجزاء سازنده‌ی خویش که همان واجها یا به روایت گذشتگان حروف و حرکات‌اند، وزن را می‌آفرینند.

همین تلقی است که باعث می‌شود قدما عروض را «میزان سخن منظوم» بخوانند، یعنی آن را ترازویی بدانند برای شعر یا سخن منظوم که موزونی یا ناموزونی آن را آشکار می‌کند. بی‌شک اندیشه‌ی وجود چنین دانشی که در پی شناخت وزن و رازهای آن بر می‌آید، نباید چندان دور از زمان پیدایی شعر در هر زبانی بوده باشد، هر چند که شاید قرن‌ها بعد این اندیشه‌ها به سامان رسیده و جامعه علمی به نام عروض به تن کرده است.

داستان وزن شعر فارسی نیز جز این نیست؛ از همان روزهایی که نخستین شعرها با تأثیر از شعر عربی در اوان قرن سوم هجری سروده شد، بی‌شک کسانی بودند که با آگاهی از عروض عربی کوشیدند تا برای فارسی نیز عروضی به ظاهر مستقل پدید آورند و تلاششان به گواهی تاریخ و به دلیل آنچه به دست ما رسیده در قرن هفتم به اوج شکفتگی رسید و به تألیف *المعجم فی معاییر الشعار المعجم* از شمس قیس رازی و *معیار الاشعار* از خواجه نصیرالدین طوسی انجامید. این کوششها تا روزگار ما استمرار یافت و خصوصاً در پرتو رهاورد دانش موسیقی و زبان‌شناسی راههای نوین در پیش چشم عروضیان گشاده گشت تا برای آموزش بهتر عروض بکوشند و کتابها و مقالات ارزشمندی پدید آورند که چون چراغ تابانی بر گوشه و کنار این دانش شیرین پرمغز به ظاهر دشوار بتابد و راههای یادگیری را بیش از پیش هموار سازد.

قافیه نیز که آن هم به تقلید از شعر عرب پای به شعر فارسی نهاده بود با خود مانند وزن، دانشی به ارمغان آورد که قافیه خوانده شد و در کنار عروض در شمار دوازده علم ادبیات قرار گرفت. ضرورت شناخت قافیه، اصطلاحات و اصول و قواعد آن نیز سبب گشت تا بسیاری از عروضیان، ادیبان و شعرشناسان به نوشتن کتاب در خصوص قافیه بپردازند و بکوشند تا ضمن روشن ساختن زوایای پنهان آن آموزشش را آسان سازند. این کوشش از گذشته تا روزگار ما ادامه یافته است.

برای آموزش عروض و قافیه در زبان فارسی کتابهای ارزشمندی تألیف گردیده که هر یک در نوع خود خواندنی است و اگر تجربه بیست ساله نگارنده در تدریس این درس در دانشگاه تهران نبود، می‌شد به هریک از این کتابها اکتفا نمود و مانند سالهایی که گذشت از هر باغی گلی چید و روزگار را گذراند، اما تدریس، گاه نکاتی را برای آدمی روشن می‌سازد که جای خالی آن را در تمام تألیفهای موجود می‌بیند و داستان نگارش این کتاب نیز این چنین است. کوشیده‌ام به پرسشهایی پاسخ دهم که سالها با آن زیسته‌ام. نکته دیگری که نباید ناگفته نهاد اینکه تدریس یک درس در سالیان متوالی معلم را به روایتی خاص از آن درس می‌رساند که با آنکه

در اصول و فروع با آنچه دیگران گفته‌اند، یکی است، اما روایت خاص گوینده است و آنچه پس از این می‌آید، روایتی است از عروض و قافیه آن گونه که من دریافته‌ام و گرنه در کلیات همان است که خلیل بن احمد بنیاد نهاده است.

شیوه‌ای که در تألیف کتاب پیش گرفته‌ام با آنچه تا کنون دیده‌اید، اندکی متفاوت است. برای آموزش عروض سه مرحله را می‌توان در نظر گرفت:

۱. مرحله ابتدایی که تنها ذهن با مفهوم وزن آشنا می‌شود؛ آن را حس و درک می‌کند، اما توانایی تبیین این دریافت را ندارد.

۲. مرحله میانی که وزن از طریق تقطیع هجایی به دست می‌آید و بحر آن با مراجعه به کتاب یا از حفظ بیان می‌شود.

۳. مرحله عالی که با شنیدن شعر، وزن را از طریق گوش باز می‌شناسد و نام بحر آن را بیان می‌کند همان که معمولاً «سماعی» خوانده می‌شود.

کوشیده‌ام تا کتاب را طوری بنگارم که اگر با دقت و تأمل خوانده شود بتواند با توجه به میزان شایستگی و توانایی خواننده این مراحل سه‌گانه، یکی پس از دیگری در ذهن وی شکل گیرد، پخته شود و نقش بندد. برای مرحله سوم، آموزش وزن شعر از راه شنیدن (سماعی) تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، کار منظم و مکتوبی عرضه نگشته است و مؤلف برای اولین بار در این کتاب کوشیده تا در حد توان خویش به این روش بپردازد و برای آن مراحل و اصولی را تدوین نماید؛ امید است این کار مورد عنایت خاص استادان و پژوهشگران قرار گیرد و با راهنمایی‌های آنان شکل کمال یافته‌ی خویش را بیابد. برای تحقق اهداف سه‌گانه کل مطالب را در پانزده درس تدوین کرده‌ام که بتوان آن را در یک نیمسال تدریس کرد یا آموخت. شیوه‌ی تنظیم درسها نیز براساس روش پرسش و پاسخ است؛ سودمندی این روش به گمان نگارنده در آن است که نخست با طرح پرسش ذهن خواننده را برای آنچه قرار است، بیاموزد، آماده می‌سازد، حدود موضوع را مشخص می‌کند، پس از خواندن نیز امکان یادآوری سریع‌تر را ممکن می‌کند. علاوه بر این در مراجعات بعدی نیز این حسن را دارد که خواننده یا جستجوگر پرسشی را می‌خواند که مقصود اوست و نیازمند آن نیست که برای یک سؤال ساده تمام مطالب یک درس را مرور کند. نظام پرسشها به استادان محترم این امکان را می‌بخشد تا به بهانه آنها به نکاتی که ضروری می‌دانند، اما در کتاب نیامده است، اشاره کنند.

بررسی قافیه نیز در این کتاب برای اولین بار علاوه بر شیوه سنتی براساس مصوت‌های زبان فارسی صورت گرفته است، زیرا به باور ما مصوت‌ها پدیدآورنده قافیه در شعر فارسی‌اند.

در پایان هر درس تمریناتی آمده است که پاسخ‌گویی به آنها خواننده را در درک بهتر موضوع کمک خواهد کرد و به روشنی و ماندگاری آموخته‌ها می‌انجامد. در پایان کتاب پیوسته‌هایی آورده‌ایم؛ نخستین پیوست، معانی اصطلاحات عروض و قافیه است که هرچند معنی لغوی آن ربط آنچنانی با معنی اصطلاحی آن ندارد، اما گاه ذهن دانشجویان یا آموزندگان را به خود مشغول می‌کند. پیوست دوم نکاتی است درباره بحرها، وزن‌ها و زحافات شعری، افزون بر آنچه در درسها آورده‌ایم که خواننده را از مراجعه به دیگر منابع بی‌نیاز می‌کند؛ در این پیوست جدولی برای تمام زحافات طراحی شده است که برای مراجعه و یادآوری بسیار سودمند است. سومین پیوست پاسخ تمرینات کتاب است تا دانشجویان یا خوانندگان مجال این را

داشته باشند تا پس از پاسخ‌گویی به تمرینات از درستی جواب خویش مطمئن شوند یا اگر نتوانستند به پرسشی پاسخ دهند جوابش در اختیار آنان باشد. پیوست آخر نمونه‌هایی است از پرسشهای آزمون سراسری کارشناسی ارشد در پنج سال اخیر با پاسخهای تشریحی تا برای داوطلبان دوره‌های عالی امکان آشنایی نسبی با این‌گونه پرسشها فراهم شود.

پایان سخن سپاس از درگاه خداوندی است که توفیق او این کار را به سرانجام رساند و امید که عنایت او از این پس نیز یاور کتاب، نگارنده و خوانندگانش باشد. همچنین نگارنده خویشتن را مدیون کسانی می‌داند که در این عرصه کوشیده‌اند و با نوشتن کتابها و مقاله‌ها بازار آموزش عروض و قافیه را گرمی بخشیده‌اند. خصوصاً سپاسگزاری می‌نمایم از استاد دکتر محمد فشارکی استاد محترم و دانشمند دانشگاه اصفهان که برای نخستین بار این درس را در خدمت ایشان آموختم و استاد دکتر وحیدیان کامیار، دانشی‌مرد دانشگاه اهواز و مشهد که با ارسال مقاله ارزشمند «عروض فارسی در یک مقاله» مرا منت‌دار خویش ساختند و سپاس اوراست.

همکاران دانشمند و بانصافم و دوستان مهربان و سخت‌کوشم در سازمان «سمت» با پذیرش کتاب و کوشش برای چاپ شایسته آن بر من منت نهادند، سلامتی و سعادت آنها را به دعا از خدا خواهانم. دانشجویان عزیزم در دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران در فراهم آوردن بعضی مثالها و اصلاح برخی نکات همکاری کرده‌اند، سعیشان مشکور و خاطره خوش وصال به بلندای روزگاران باد. و سپاس او را.

روح‌الله هادی

سورمق، فروردین ۱۳۹۲